

تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران در سیاست داخلی

مرتضی ملکی^۱

محمد رحیم عبیوضی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸

چکیده

تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی میان رشته ای است که در بستر اندیشه پست مدرنیسم و در پی تحولات معرفتی در علوم انسانی و اجتماعی پدیدار گشته است. در دهه های ۶۰ و ۷۰ سده گذشته گرایش به روشمند نمودن فرایند تولید گفتار و نوشتار و بررسی ساختار و کارکرد آن افزایش یافت. رویکردهای تحلیل گفتمانی متعدد و متنوعند. در این نوشتار محققین در نظر دارند تا با بررسی مناظرات تلویزیونی نامزدهای دوره دوازدهم ریاست جمهوری ایران به تحلیل گفتمان سیاسی پرداخته و صورتبندی این گفتمان را بازنمایی کنند. در این تحقیق از نظریه گفتمان لاکلاو و موفه در کنار نظریه گفتمان فرکلاف به عنوان روش تحقیق استفاده شده است.

پرسش اصلی این مقاله آن است که گفتمان سیاسی دولت یازدهم در جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست داخلی از چه مولفه هایی برخوردار بوده و دال مرکزی و دالهای شناور آن چیستند؟ تحلیل گفتمان نشان داد که دال مرکزی در گفتمان سیاسی این دولت آزادی بوده و انتقادپذیری، صداقت گفتمانی، مخالفت با انحصارگرایی، آزادی بیان و تنش زدایی؛ وقته های آن را تشکیل می دهند. پژوهش پیش رو به لحاظ ماهیت، کاربردی بوده و با رویکردی کیفی اقدام به گفتمان شکافی سیاسی دولت یازدهم است.

واژه‌های کلیدی: دولت یازدهم، گفتمان سیاسی، حسن روحانی، لاکلاو و موفه، فرکلاف.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) morteza37551359@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران danesh.mr@yahoo.com



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده، یک گرایش مطالعاتی بین رشته ای است که در اواسط دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی و در پی تحولات معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی بروز و ظهور پیدا نمود. در این برهه بود که میل به نظام مند کردن فرایند تولید گفتار و نوشتار و بررسی ساختار و کارکرد آن بوجود آمد. رویکردهای تحلیل گفتمانی بسیار متوعند. گروهی تحلیل گفتمان را وامدار جنبش انتقادی، زبان شناسی، نشانه شناسی، تاویل گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبار شناسی و دیرینه شناسی فوکو می دانند. (سلطانی، تفضلی و صدقی: ۱۳۸۷)

تحلیل گفتمان، به عنوان یک نظریه در زبان شناسی و علوم اجتماعی در سالهای اخیر مورد توجه اندیشمندان علوم انسانی قرار گرفته است زیرا به عنوان روش تحقیق از نوع کیفی به تراوشات فکری انسان در عصر پسامدرن و معنادهی رویدادها و کنش ها در قالب ساختهای زبانی در تعامل اجتماعی و بینافردی می پردازد و معنا سازی و باز تعریف آن را در ارتباط دو سویه زبان، گفتمان و ایدئولوژی در بافتها و نهادهای اجتماعی صاحب نفوذ و قدرت در جامعه را تفسیر و تبیین می نماید. (آقا گل زاده: ۱۳۹۰)

نگرشهای گوناگون نسبت به گفتمان، وابسته به دو رویکرد اساسی است: نگرش اول اساساً ریشه در زبان شناسی ساخت گرا و نقش گرا دارد و بر اساس آن گفتمان به مثابه زبان، بالاتر از جمله یا زبان به هنگام کاربرد است و بالطبع کوچکتر از زبان به حساب می آید. در این نگرش هیچ توجهی به ایدئولوژی و قدرت نشده است. در مقابل، نگرش دوم که در آثار میشل فوکو به اوج خود رسید مبتنی بر دیدگاه پساساخت گرایانه به زبان است. دیدگاهی که بر اساس آن معانی، محصول شرایط فرهنگی و اجتماعی است (سرخیل، ۱۳۹۸) و در زبان به واقعیت می پیوندد. مطابق این نگرش، این گفتمان است که چگونگی کاربرد زبان را تعیین می کند. بر این اساس گفتمانها نظام هایی خودبنیادند که برای دستیابی به قدرت، زبان و همه پدیده های دیگر را در سیطره خود می گیرند. پس به این ترتیب گفتمان، نظامی است که از زبان بزرگتر است و چگونگی آن را تعیین می کند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۲۵)

از دل نگرش اول که به صورت تحلیل گفتمان رایج در زبان شناسی غالباً در دهه ۷۰



میلادی تبلور یافت تحت تاثیر فوکو و دیگران در سال ۱۹۷۹ زبان شناسی انتقادی نام گرفت که بعدها به تحلیل انتقادی گفتمان^۱ معروف شد. تحلیل انتقادی گفتمان در جهت رسیدن بهتر به تبیین بهتر صورت های کاربردی زبان و دور شدن از توصیف صرف، مفاهیم قدرت و ایدئولوژی را نیز به کار گرفت.

ارنست لاکلاو و شانتال موفه نیز در حوزه فلسفه سیاسی، مفهوم گفتمان فوکو را با دیدگاههای دیگران در هم آمیختند و نظریه گفتمان خود را شکل دادند. آنها با درهم آمیختن دیدگاههای سوسور، دریدا، لاکان، گرامشی، آلتوسر، فوکو و دیگران نظریه ای پساساختگرایانه ارائه دادند که بر اساس آن همه پدیده های اجتماعی تحت تاثیر فرآیندهای گفتمانی شکل میگیرند. (همان، ص ۲۶)

۱. پیشینه تحقیق:

پیشینه اولیه تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی به دنیای غرب بر می گردد. مقاله ها و کتابهای فراوانی در این خصوص نوشته شده است. مشهورترین نظریه پردازان تحلیل گفتمان انتقادی با رویکردهای مختلف عبارتند از فاولر، فرکلاف، وداک، وان دایک، کرس، ون لیوون و ریچاردسون که از تحقیقات مهم و تاثیرگذار در این حوزه می توان به تحقیقات فاولر و دیگران (۱۹۷۹) با عنوان زبان و کنترل اشاره کرد. تحقیق فرکلاف با عنوان زبان و قدرت (۱۹۸۹) را می توان به عنوان تاثیرگذارترین منبع یاد کرد که حاوی مطالبی همچون تحلیل گفتمان انتقادی در عمل و در سه سطح توصیف، تبیین و نقش تحلیل گر است.

محمدرحیم عیوضی در مقاله گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی سعی نموده است تا با استفاده از مفهوم گفتمان به بررسی وجه عدالت خواهانه انقلاب اسلامی در حوزه سیاست پردازد. در مقاله دیگری مقصود رنجبر تلاش نموده تا گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران را تبیین نماید. وی این گفتمانها را به سه دسته تقسیم می نماید که وجه مشترک همه آنها را ایدئولوژی پایه بودن آنها می داند.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی در کتاب گفتمانهای هسته ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پس از دسته بندی گفتمان در نظر مهمترین نویسندگان آن، ضمن ارائه تحلیل گفتمانی

1. critical discourse analysis



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات جهان اسلام

از موضوع هسته ای ایران، فراز و نشیبهای آن را بر سر سیاست خارجی ایران بررسی می نماید. نویسنده معتقد است که بررسی رقابتهای گفتمانی در خصوص موضوع هسته ای ایران نشان می دهد که منازعات گفتمانی در سیاست خارجی ایران فراتر از موضوع هسته ای بوده و دو ابرگفتمان تعامل گرایی و تقابل گرایی در سیاست خارجی ایران وجود دارد که بر سر مسائل مختلف سیاست خارجی برداشتهای متفاوتی دارند.

در مقاله ای تحت عنوان تحلیل گفتمان محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، جهانگیری و فتاحی با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی ارائه شده از سوی محمود احمدی نژاد در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری دال مرکزی گفتمان وی را مدیریت مردمی بیان می نمایند. در این مقاله با استفاده از روش بکار گرفته شده جهت استخراج دالهای این گفتمان، تحلیل بینامتنی و بینا گفتمانی پیشنهادی در روش -نظریه فرکلاف مورد استفاده قرار گرفته است. در ادامه دالهای استخراج شده در چهارچوب نظری لاکلاو و موفه قرار گرفتند و دال مرکزی و سایر دالهای شناور و نحوه مفصل بندی آنها مشخص گردید.

محمد رضا تاجیک و محمد روزخوش در نوشتاری با عنوان بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان، تلاش نموده اند تا با بررسی تبلیغات نهمین دوره ریاست جمهوری ایران به تحلیل گفتمان این انتخابات بپردازند. در این مقاله از نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه در کنار نظریه گفتمان فرکلاف، به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. در این تحلیل گفتمان نشان داده می شود که در گفتمان اصولگرایی نوعی تحول شکل گرفته است. در گفتمان اصلاح طلبی نیز گروههای مختلف بر حسب دیدگاههای سیاسی اجتماعی خویش از یکدیگر جدا شده اند. در دور اول انتخابات ریاست جمهوری، ولایت فقیه، دال مرکزی گفتمان احمدی نژاد و دولت اسلامی، توسعه اقتصاد اسلامی، تهاجم فرهنگی، عدالت اجتماعی و رشد سیاسی دقایق این گفتمان را تشکیل می دادند. در گفتمان هاشمی رفسسنجانی نیز کلیت نظام، دال مرکزی و حزب، توسعه، اعتدال گرایی و حفظ ثبات کشور دقایق آن بودند. فردوس آقاگل زاده به همراه طاهره طارمی در مقاله تحلیل زبان شناختی گفتمانهای رقیب در پرونده بورسیه های تحصیلی، سعی نموده تا نگاه ایدئولوژیک گفتمانهای رقیب را با بکارگیری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در متون رسانه ای رمزگشایی کرده و معانی را با توصیف و تبیین ساختههای زبانی آشکار گفتمان اعتدال گرا (روزنامه اعتماد) از ساخت های



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای باسی جهان اسلام

۱۲۸

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

ایدئولوژیک در سطح توصیف، استفاده نموده اند. در حالیکه روزنامه اعتماد از بار ایدئولوژیک کمتری برخوردار بوده است (در مقابل روزنامه کیهان). نگارندگان با استفاده از راهبرد کمیت زبانی و ارائه نمونه ها و شواهد در جهت تایید گفتمان مورد نظر عمل نموده اند. سلطانی نیز در کتاب خود با عنوان قدرت، گفتمان و زبان سعی می کند تا با تکیه بر نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف این فرضیه را به اثبات بگذارد که قدرت پنهان در گفتمان های سیاسی به واسطه فرایندهای دوگانه برجسته سازی و حاشیه رانی به طور کلی در اجتماع و به طور خاص در مطبوعات جریان دارد. به عبارت دیگر این کتاب بر آن است تا به انقلاب اسلامی به مثابه پدیده ای فرهنگی از زاویه زبان و زبان شناسی بنگرد.

۲. هدف تحقیق:

در این تحقیق به دنبال کشف مفصل بندی گفتمان سیاسی دولت یازدهم در عرصه سیاست داخلی می باشیم. این امر مستلزم شناخت دال مرکزی و دالهای شناوری است که حول آن سامان می یابند.

۳. فرضیه:

دال مرکزی در گفتمان سیاسی این دولت آزادی بوده و انتقادپذیری، صداقت گفتمانی، مخالفت با انحصارگرایی، آزادی بیان، تنش زدایی وقته های آن را تشکیل می دهند.

۴. روش تحلیل:

تحقیق پیش رو با استفاده از روش تحلیل گفتمان داده های به دست آمده و گردآوری شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

۵. رویکرد نظری:

تفهم نمودن بسیاری از متون خصوصا متون سیاسی و نیز تاریخی نیازمند آن است تا با دیدی عمیق نگرینسته شده و مورد مذاقه قرار گیرند. بدون معرفت شناسی عمیق و هستی شناسی کامل، نمی توان از معانی اصلی برخی از این متون رمز گشایی کرده و اهداف صاحب متن را



تفهم نمود. به همین دلیل باید هر متنی را در رابطه با شبکه های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید. در تحلیل گفتمان انتقادی موضوع اصلی تحقیق، کردارهای گفتمانی و زبانی اند که هم بازنمایی هایی از جهان، سوژه های اجتماعی و روابط اجتماعی را بر ساخته و هم در پیشبرد منافع گروه های اجتماعی خاص نقش ایفا می کنند. بنابراین باید هر متنی را در رابطه با شبکه های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید. (آقا گل زاده و طارمی، ۱۳۹۴)

چهارچوب نظری این مقاله تحلیل انتقادی فرکلاف و نیز روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه می باشد. فرکلاف تعریف فوکو از گفتمان را با چارچوب نظام مندی از تحلیل مبتنی بر تحلیل زبانشناختی متن، تلفیق کرده است. (میلز، ۱۳۸۸: ۱۸۷) فرکلاف در این زمینه معتقد است که تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی است که می کوشد به نحوی نظام مند به تحقیق درباره کردارهای گفتمانی، متون، ساختارها، روابط و فرایندهای گسترده تر اجتماعی و فرهنگی بپردازد. (فرکلاف، ۱۹۹۳: ۱۳۵) به عبارت دیگر فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان به دنبال این است تا نشان دهد رخدادهای و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می آیند و وارد مبارزات قدرت می شوند.



۱۳۰

۵-۱- تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف:

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت های شاخص در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان است. در نگاه او تحلیل انتقادی گفتمان روشی است که در کنار سایر روشها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی بکار رفته و مرجعی است که در نزاع علیه استثمار مورد استفاده قرار می گیرد. (فرکلاف، ۲۰۰۲ الف: ۷۰) فرکلاف رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می نامد و اولین هدف خود را که بیشتر جنبه نظری دارد کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و دومین هدف را که عملی تر است کمک به افزایش آگاهی نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد می داند. زیرا در نگاه او، آگاهی اولین قدم به سوی رهایی است. در هدف دوم فرکلاف تاکید زیادی روی بالا بردن سطح آگاهی افراد نموده است زیرا معتقد است در گفتمان، مردم می توانند روابط قدرت خاصی را مشروعیت بخشند بدون اینکه از کاری که می کنند آگاهی داشته باشند. (فرکلاف، ۲۰۰۲ الف: ۴۰)

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

در حقیقت از این نظر گفتمان به مثابه دستگامی عمل می کند که بر ای قدرت حاکم، مشروعیت می آورد. مشروعیتی که حتی ممکن است مشروعیت بخشان به آن، از آگاهی لازم در این مورد برخوردار نباشند. به عبارت دیگر روابط قدرت برای آنها آشکار نباشد. فرکلاف الگویی سه لایه ای برای تحلیل انتقادی گفتمان ارائه می کند که مطابق آن هر نمونه کاربرد زبان یک رخداد ارتباطی است که ناظر بر سه بعد می باشد (تاجیک و روز خوش، ۱۳۸۷: ۹۳)

۱. متن (سخنرانی، نوشتار، اشکال بصری یا ترکیبی از آنها)

۲. کردار گفتمانی که تولید و مصرف متون را در بر میگیرد.

۳. کردار اجتماعی (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۶۸)

۴. رابطه میان متن و کردار اجتماعی از طریق کردار گفتمانی انجام می شود. با استفاده از کردار گفتمانی، مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می برند و بدین گونه متن به کردار اجتماعی شکل می دهد و خود نیز توسط آن شکل داده می شود. در این چارچوب سطح کردارهای گفتمانی، مرتبط با تولید، مصرف و توزیع متون است. توزیع متون، مربوط به گردش متون در نظم های گفتمانی است که به صورت زنجیره ای صورت می گیرد. به عنوان مثال به دلیل بنیان دینی جمهوری اسلامی، بعد از انقلاب نظم گفتمانی سیاسی با نظم گفتمانی دینی در هم آمیخت و به شیوه گفتاری خاصی تبدیل شد. مثلاً جمله شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی است از نمودهای گردش متن در نظم های گفتمانی مختلف است که در آن تکلیف که یک واژه دینی است در کنار انتخابات به عنوان یک واژه سیاسی مرتبط با دولت □ ملت قرار گرفته است که در آن با تعبیر حضور هر چه بیشتر الگوی دینی در سامان انتظام بخشنده در نظم سیاسی یاد شده است. (غلامرضا کاشی، ۱۳۷۹: ۳۲۵)

در الگوی تحلیل فرکلاف تحلیل زبانی هم در سطح متن و هم در سطح کردار گفتمانی انجام می شود که تحلیل زبانی در سطح کردار گفتمانی همان بینامتنیت است. در ادبیات پست مدرن بینامتنیت به معنای شیوه ارجاع یک متن به سایر متنها بکار می رود. از این منظر هیچ متنی مستقل از متونی که آنرا احاطه کرده اند نیست (وارد، ۱۳۸۴: ۲۷۷-۲۷۸) کردار گفتمانی به مثابه سندی بالادستی بر کردار اجتماعی سایه افکنده و معتقدین به یک گفتمان، کردار اجتماعی خود را با دال مرکزی آن تطبیق می دهند. البته این تعامل دو سویه بوده و در مواردی



نیز این کردار اجتماعی است که به کردار گفتمانی شکل می دهد لکن در نهایت این کردار گفتمانی است که به مثابه چتری بر کردار اجتماعی سایه می افکند. فرکلاف معتقد است زبان یک کردار اجتماعی است. این تفکر در بردارنده چند مفهوم ضمنی است:

۱. زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست.
۲. زبان فرایندی اجتماعی است.
۳. زبان یک فرایند مشروط اجتماعی است. یعنی مشروط به سایر بخشهای غیر زبانی جامعه است. (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۲)

اینکه پدیده های زبانشناختی پدیده هایی اجتماعی اند بدان معنی است که هر کجا و هر زمان که مردم زبان را بکار می گیرند (خواندن، نوشتن و صحبت کردن) تحت تاثیر جامعه و شرایط اجتماعی حاکم بر آن هستند. حتی زمانی که افراد در درون خانواده خود و به دور از جامعه اند نیز زبان را بر اساس قراردادهای اجتماعی بکار می گیرند. نکته مهم و قابل توجه از دید فرکلاف این است که تمام پدیده های زبانشناختی، اجتماعی اند ولی عکس آن صادق نیست. مثلا زمانی که در خصوص معانی واژه های سیاسی چون امپریالیسم، دموکراسی و یا تروریسم صحبت می کنیم از عناصر زبانی بهره می گیریم اما این فقط بخشی از کل سیاست است. دومین مفهوم ضمنی - یعنی زبان فرایندی اجتماعی است - زمانی معنی می یابد که همچون فرکلاف گفتمان را از متن جدا بدانیم. منظور فرکلاف از متن همان است که مورد نظر هالیدی می باشد و این اصطلاح دربرگیرنده متن نوشتاری و گفتاری است. برای او متن محصول است و نه فرایند. فرکلاف از اصطلاح گفتمان برای اشاره به کل فرایند تعامل اجتماعی استفاده می کند که عبارت است از متن، تعامل و بافت اجتماعی. فرایند تعامل اجتماعی علاوه بر خود متن شامل فرایند تولید متن و تفسیر است و متن، مرجع آن تفسیر به شمار می آید. بر اساس رابطه کل به جزئی که میان گفتمان و متن برقرار است تحلیل متن نیز بخشی از تحلیل گفتمان است. از چشم انداز تحلیل گفتمان ویژه گیهای صوری متن از یک سو به عنوان ردپاهای فرایند تولید و از سوی دیگر به عنوان سرنخهایی در فرایند تفسیر در نظر گرفته می شود. (همان: ۲۴)

فرکلاف سه مرحله را برای تحلیل گفتمان انتقادی از هم تمیز می دهد:



۱۳۲

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۳۳

تحلیل
گفتمان سیاسی
دولت یازدهم
جمهوری اسلامی...

۱. توصیف: مرحله ای است که با ویژه گیهای صوری متن ارتباط دارد.
 ۲. تفسیر: مرحله است که به ارتباط میان متن و تعامل می پردازد. اینکه متن را محصول فرایند تولید و منبع فرایند تفسیر بدانیم.
 ۳. تبیین: مرحله ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می پردازد. اینکه چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تاثیر اجتماع قرار دارند.
 در هر سه مرحله با تحلیل سر و کار داریم. اما ماهیت آن در هر مرحله متفاوت است. تحلیل در مرحله اول به معرفت شناسی ویژه گیهای صوری متن اکتفا می کند. متن را به مثابه یک شیء می پندارد. در مرحله دوم، تحلیل گفتمان، به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت کنندگان و تعاملات میان آنها می پردازد. مرحله تبیین نیز ارتباط بین رویدادهای اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می کند که بر این رویدادها تاثیر می گذارند و نیز از آنها تاثیر میپذیرند.

۵-۲- تحلیل بینامتنی:

از جمله مفاهیم مهم در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مفهوم تحلیل بینامتنی است. به بیان فرکلاف تحلیل بینامتنی مکملی ضروری برای تحلیل زبانشناختی است. تحلیل بینامتنی نشان دهنده چگونگی استفاده گزینشی متنها از نظم گفتمانی است. از این رو در نزد فرکلاف تحلیل بینامتنی حلقه واسط زبان و بافت اجتماعی است و خلا موجود میان متنها و بافت را به شایستگی پر می کند. (فرکلاف، ۱۳۷۹، ب: ۹۷)
 در تحلیل متنهای نوشتاری، مقایسه و نقل قول دو شکل بسیار پر کاربرد بینامتنیت هستند. در مقایسه، متنها در تفسیر رویدادها از طریق ارتباط دادن رویدادها با الگوهای ذهنی اجتماعی که برای خواننده آشنا هستند تلاش می کنند ذهن خواننده به سمت و سوی دلخواه هدایت کنند. (آچگار، ۲۰۰۴: ۳۱۲). بینامتنیت روشی جهت فهم دقیق متون است که به بررسی روابط بین متنها می پردازد و بر آن است که بیان کند هر متن و گوینده ای متأثر از دیگر متون و گویندگان سابق یا معاصر بوده و آگاهانه یا ناآگاهانه از کلام و اندیشه آنها بهره مند گشته است. (پیرچراغ و فقهی زاده، ۱۳۹۵: ۹۳)

بینامتنیت در عربی با عناوین «التاوص» و النصوصیه (عزام، ۲۰۰۱، ۶۱-۴۲) التناصیه و تداخل

النصوص (سال‌می، ۲، ۲۰۱۴؛ ۲۰۰۵، ۳۹) و در زبان انگلیسی با تعبیر *intertextuality* یاد می‌شود و در فارسی به معنای تداخل متون با هم ترجمه می‌شود. (رستم پور، ۱۳۸۴ ش ۱۹؛ میرزایی، ۱۳۸۸ ش ۳۰۰-۳۰۱) و در صدد است تا بیان کند که هرمتنی مرجعی دارد که قبلا یا هم زمان با او بوده است. (جبر الاسدی، ۲۰۰۰: ۱۱-۱۳) خاستگاه این نظریه گونه ای از زبان‌شناسی نوین (مکاریک، ۱۳۸۳: ش ۷۲) و متن محور بوده که یک متن را یک واحد کامل می‌انگارند که با متون دیگر در تعامل بوده و هر متنی را ترکیبی از متون دیگر می‌داند. (کیوان، ۱۹۹۸: ۲۰۹) از اینرو کسانی که به بینا‌متنیت اعتقاد ندارند نمی‌پذیرند که یک متن دستاورد اصیل مولف باشد.

بینامتنیت نخستین بار توسط ژولیا کریسوا منتقد ادبی و رمان نویس بلغاری و فرانسوی در دهه شصت میلادی بکار گرفته شد هرچند که برخی معتقدند قبل از وی نیز اقداماتی توسط باختین روسی صورت گرفته است. (کیوان، ۱۹۹۸: ۱۵) ولی تلاشهای ژولیا کریسوا برای تلفیق نظریات سوسور و باختین پیرامون زبان و ادبیات سبب بوجد آمدن نخستین نظریه بینامتنی گردید. (آلن، ۱۳۸۰: ۷) بینامتنیت دارای سه جزء اصلی متن غایب یا پنهان، متن حاضر یا آشکار و عملیات بینا‌متنی است. متن حاضر همان متن موجود است که مورد پژوهش بینامتنی قرار می‌گیرد تا متون دیگر از آن استخراج شود. متن غایب متنی است که در دل متن پیش رو نهفته است و محقق در پی کشف و وانمود آنهاست. عملیات بینامتنی مهمترین بخش نظریه بینامتنی و فرایند تبدیل متون پنهان به متون آشکار است که رابطه بین دو متن غایب و حاضر را روشن می‌کند.

۵-۳- تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه:

ارنست لاکلو و شانتال موفه با نگارش کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (۱۹۸۵) تحولی در سنت چپ ایجاد کردند اما در واقع نظریات آنها بسیار فراتر از سنت چپ مورد تحلیل قرار گرفت. فصل اول کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی با عنوان هژمونی: تبارشناسی یک مفهوم؛ به نقد مارکسیسم اختصاص یافته است. نویسندگان سپس به تحولات مفهوم هژمونی در مارکسیسم می‌پردازند. تاریخچه این مفهوم در واقع گسترش حوزه سیاست در مارکسیسم را نشان می‌دهد. ناکارآمدی تلقی مارکسیسم ارتدوکس از تمایز زیربنا-روبن





فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

و جبرگرایی تاریخی و همچنین مفهوم طبقه، راه را برای گسترش مفهوم هژمونی گشود. از گرامشی به بعد مفهوم هژمونی به عنوان یک فرایند سیاسی که عناصر مختلف را مفصل بندی می نماید و هویت را شکل می دهد وارد اندیشه مارکسیستی شد. (تاجیک و روز خوش: ۱۳۸۷)

علاوه بر این لاکلاو و موفه نظریه معنایی خود را از سنت زبانشناسی ساخت گرای فردیناند دوسوسور اخذ می کنند. از نظر سوسور نشانه ها و کلمات معنای خود را نه به واسطه ارجاع به جهان بیرون بلکه از طریق رابطه ای که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می کنند به دست می آورند (محسنی و مقدم، ۱۳۹۷). سوسور مهره های شطرنج را مثال می زند. ارزش هر مهره ارزش و نشانه درون نظام شناختی شطرنج با شکل یا جنس مهره ندارد، بلکه هر مهره ارزش و معنای خود را به واسطه ارتباطی که با مهره های دیگر دارد کسب می کند. از نظر لاکلاو و موفه نیز هر مجموعه ای از اشیاء و... وقتی معنا پیدا می کنند که درون یک گفتمان در کنار یکدیگر به هویتی خاص دست یابند و این هویت را در برابر مجموعه ای از دیگری ها^۱ به دست می آورند. (امیری، ۱۳۹۷) اکنون به برداشتی خاص لاکلاو و موفه از مفهوم گفتمان می رسیم. آنها در فصل سوم کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی نظریه گفتمان خود را مطرح می کنند:

«در اینجا ما هر عملی را که به برقراری رابطه بین عناصر منجر شود به گونه ای که هویت این عناصر در نتیجه این عمل تعدیل شود مفصل بندی می گوئیم.^۲ کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل بندی گفتمان نام دارد. جایگاههای تمایز را^۳ زمانی که درون یک گفتمان مفصل بندی شده باشد را وقته^۴ می نامیم و در مقابل، هر تفاوتی را که از نظر گفتمانی مفصل بندی شده نیست، عنصر می نامیم.» (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵)

به عقیده این دو نظریه پرداز، معرفی یک نظریه گفتمانی مستلزم بیان مفاهیم کلیدی و سازنده آن است. لاکلاو و موفه برای تبیین نظریه خود مفاهیم متعدد و گاه پیچیده و دارای وجوه مختلف را بکار گرفته اند که فهم نظریه آنان و تبعاً کاربرست آن نیازمند شناخت این

1. othernesses
2. articulation
3. different position
4. movment

مفاهیم است. ویژه گی مفاهیم یاد شده آن است که به شکلی خاص، به صورت زنجیروار به یکدیگر مربوط هستند. فهم هر مفهوم ما را به شناخت مفاهیم بعدی رهنمون می شود. (حاجی حسینی و آرام، ۱۳۹۳: ۷)

برخی از مفاهیم بکار رفته در تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه را مورد بررسی قرار می دهیم: (۱) دال و مدلول: دو مفهوم دال و مدلول در نظریه لاکلاو و موفه نقشی کلیدی دارند. دالها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چاقوبهای گفتمانی خاص، بر معانی ویژه ای دلالت دارند. معنا و مصداقی که یک دال بر آنان دلالت مینماید مدلول نامیده می شود. مدلول نشانه است که ما با دیدن آن دال مورد نظر برایمان نمایانده می شود. (لاکلاو و موفه، ۲۰۰۲: ۱۴۰)

(۲) دال مرکزی: به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دالها حول محور آن ساماندهی می شوند دال مرکزی می گویند. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود خیمه فرو می ریزد. دال مرکزی آن چیزی است که در گفتمان رقیب جای آن خالی است. (حسینی زاده، ۱۳۸۸: ۷۰)

(۳) دال شناور: در این نظریه نشانه های و مفاهیم دالهای شناوری اند که گفتمانها سعی دارند به آنها معنا دهند. دال شناور دالی است که مدلول آن شناور است. به عبارت دیگر مدلولهای متعددی دارد و گروههای مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود به آن با هم رقابت می کنند. هر گفتمان بر مبنای نظام معنایی خود مدلول سازگار با این نظام را برجسته ساخته و مدلولهای دیگر را به حاشیه می راند.

(۴) عنصر، وقته، حوزه گفتمان گونگی: انسجام یک گفتمان به ثبات میان رابطه دال و مدلول از یک سو و ثبات رابطه دالها با دال مرکزی از سوی دیگر وابسته است. دالهایی را که حول دال مرکزی گرد هم می آیند را وقته می نامند. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۶۰) هر نشانه ممکن است چند نشانه داشته باشد. به طور طبیعی هر گفتمان یکی از آن معانی را حسب همخوانی با نظام معنایی خود تثبیت نموده و باقی را حذف می نماید. لاکلاو و موفه معانی احتمالی نشانه ها را که از گفتمان طرد شده اند حوزه گفتمان گونگی می نامند. سرریز معانی یک دال به حوزه گفتمان گونگی با هدف ایجاد یکدستی معنایی در یک گفتمان انجام می شود. به عنوان مثال توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی هر دو از دالهای شناوری اند که در ابتدای پیروزی



انقلاب، گفتمان انقلاب اسلامی آنرا طرد نمود و به حوزه گفتمانگونی فرستاد. در مقابل توسعه ایدئولوژیکی یا همان ایده صدور انقلاب را برجسته ساخت. اما با گذشت حدود دو دهه از انقلاب هر دو این دالهای شناور از حوزه گفتمانگونی خارج و با گرد آمدن دیگر دالهای شناور حول آنها به عنوان دال مرکزی مفصل بندی گفتمانهای سازندگی و اصلاح طلبی شکل گرفت. (سلیمی، ۱۳۸۳: ۱۰)

یک هفته تا پیش از ورود به یک گفتمان و مفصل بندی شدن و تثبیت معنا در چارچوب آن در حوزه گفتمانگونی قرار دارد و عنصر نامیده می شود. عناصر دالهای شناوری اند که هنوز ذیل گفتمان قرار نگرفته اند و در واقع از گفتمان مورد نظر طرد شد اند (فیلیس، ۲۰۰۲: ۲۴). اگرچه این طرد شدن موقتی است. مثلا موضوع توسعه سیاسی یک دال شناوری بود که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ در ذیل گفتمان اصلاح طلبی مفصل بندی شد. با عنایت به مطالب یاد شده مفهوم گفتمان را از نظر لاکلاو و موفه می توان اینگونه تعریف نمود:

تلاشی است برای تبدیل عناصر به هفته ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایشان به یک معنای کاملا تثبیت شده.

غیریت سازی: غیرت سازی های اجتماعی و تجربه آنها برای نظریه گفتمان دارای اهمیت زیادی می باشند. در آغاز، غیریت سازی های اجتماعی، ایده ای منفی و ناسازگار در درون روابط اجتماعی را معرفی می کنند. غیریت سازی ها، محدودیتهای جامعه که توسط آنها معنای اجتماعی به چالش کشیده می شوند و نمی توانند تثبیت شوند را آشکار می شوند. غیریت سازی ها نشانه جبهه بندی یک صورت بندی سیاسی است. آنها نشان می دهند که هویت دیگر در نظام، تثبیت شده نیست بلکه توسط نیروهای خارج از نظام به چالش کشیده می شوند. غیریت سازی ها را نمی توان به منافع از پیش تعیین شده کارگزاران تقلیل داد. غیریت سازی و ایجاد جبهه ای سیاسی تا حدودی سازنده هویتهای خود واقعیتها است. ایجاد روابط غیرت ساز مانع امکان ضرورت و منطق تعیین کنندگی در تاریخ و جامعه می شود. (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۲)

لاکلاو و موفه بر این نکته اصرار دارند که غیرت سازی های اجتماعی به این دلیل رخ می دهد که کارگزاران اجتماعی قادر نیستند هویت کاملشان را به دست آورند. (افضلی و



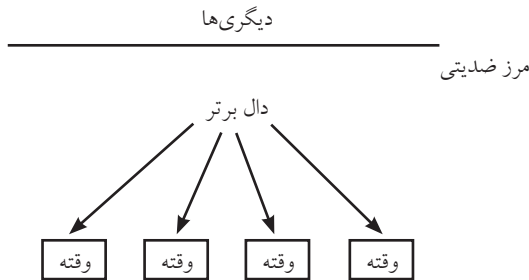
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

دیگران، ۱۳۹۷) به عبارت دیگر نمی‌توانند هویت خودشان را بر همه جامعه هدف تثبیت نمایند. بنابراین غیریت سازی زمانی رخ می‌دهد که حضور دیگری مانع می‌شود من، کاملاً خودش شود. روابط غیرت ساز از کلیت های کامل ناشی نمی‌شود بلکه نتیجه عدم امکان ساخت این کلیتهای کامل هستند. این مساله هویت تجربه ای دو طرفه برای نیروهای غیرت ساز و هم نیروهای غیریت سازی شده است. غیرت سازی به دلیل ناتوانی عاملان اجتماعی در دستیابی به هویت ها و منافعشان بوجود می‌آید و باعث تشکیل جبهه ای سیاسی شکل گیری انواع هویت‌های مختلف تعیین هویت می‌شود. (دوید هوارث و یانس استاوراکاکیس، ۲۰۰۰ : ۱۰-۱۱) به نظر لاکلاو و موفه غیرت سازی اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هویت‌های مختلف به طور متقابل یکدیگر را طرد می‌کنند. اگرچه یک سوژه هویت‌های مختلفی دارد این هویتها نمی‌توانند رابطه ای خصمانه با یکدیگر داشته باشند. دو هویت ممکن است خواستهای متضادی را در خصوص یک عده کنشها در یک زمینه مشترک داشته باشند در این صورت راهی جز این وجود ندارد جز اینکه یکی دیگری را بلوکه کند. هر یک از گفتمانهایی که هویت ها را شکل می‌دهند بخشی از قلمرو گفتمانیت یکدیگر هستند. وقتی که یک حالت غیریت سازی رخ می‌دهد هر چیزی که گفتمان طرد کرده است تهدیدی برای تحلیل بردن وجود آن گفتمان و تثبیت معنی توسط آن است. (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۴۷-۴۸)

دال خالی: دال خالی بیانگر یک فضای خالی است و به عبارت دیگر نشان از امر غیبی دارد. کارکرد دال خالی بازنمایی وضعیت آرمانی و مطلوبی است که گفتمانها سعی در ارائه آن در بهترین وجه ممکن آن دارند. از سوی دیگر این وضعیت بیانگر کوتاهی و قصور گفتمان حاکم در تامین آن است. بنابراین معنادهی به دال خالی و ارائه تصویر جامعه مطلوب سبب پویایی و نشاط آن گفتمان می‌گردد. وجود دال خالی در فضای سیاسی بیانگر وجود تقاضا برای عرصه های جدیدی است که سایر گفتمانها می‌توانند با پر کردن آن بستر مناسبی برای بدیل سازی خود به جای گفتمان حاکم مطرح کنند. (لاکلاو، ۲۰۰۰) مثلاً توسعه سیاسی به عنوان دال خالی دولت سازندگی در دوران عدم ثبات این گفتمان و در نتیجه عاملیت سوژه های سیاسی به عنوان دال خالی گفتمان سازندگی مطرح شد که گفتمان رقیب یعنی اصلاحات توانست با استفاده از فرصت به دست آمده توسعه سیاسی را به عنوان دال مرکزی نظام معنایی خویش اعلام و حول آن مفصل بندی نماید.

انسداد و توقف: وقتی یک عنصر از حال شناور خارج و به وقته یا لحظه تبدیل می شود انسداد یا توقف که همان تثبیت معنای نشانه هاست رخ می دهد. این تثبیت تحت اراده هژمونیک به ثبات موقت گفتمان تبدیل می شود. لازمه تثبیت، انسداد و توقف، برجسته سازی معنای مورد نظر خود و طرد و حاشیه رانی معنای مورد نظر رقیب است. اساساً تثبیت معنای امری موقت است و همواره امکان تزلزل معانی تثبیت یافته در درون گفتمان وجود دارد. لاکلاو و موفه این ویژه گی را بی قراری می نامند. این مفهوم به حوادثی اشاره دارد که توان به چالش کشیدن هژمونی و هیمنه گفتمانها را دارند. هیچ گفتمانی نمی تواند به طور کامل تثبیت شود و همیشه در یک طیفی از ثبات کامل تا بی قراری و زوال کامل در حرکت است و این ویژگی خصیصه نهادین گرانیگاه هستی شناسی این نظریه است. این بی قراری می تواند کارکردی دو گانه نیز داشته باشد از یک سو با تضعیف گفتمان حاکم امکان پیدایش موضوعات و مفصل بندیهای جدید و در نتیجه گفتمان جدید را فراهم سازد و از سوی دیگر فرصت بازسازی را برای گفتمان حاکم فراهم می نماید.

مدل تحلیلی لاکلاو و موفه



برگرفته از جهانگیری و سجادی (۱۳۹۰)

در ادامه تحقیق سعی خواهد شد تا با استفاده از روش انتخاب شده در قسمت روش شناسی، در ابتدا با استفاده از شیوه تحلیل فرکلاف (در مرحله توصیف) مبتنی بر روش نقش گرای هالیدی تحلیل متن به دو صورت ساختار زبانی (راهبردهای به کار رفته، چگونگی سجاوندی و...) و نیز ساختار واژگانی (افعال معلوم و مجهول و...) مورد تحلیل قرار گرفته

و در ادامه دالهای گفتمان سیاسی دولت یازدهم با استفاده از روش تحلیل لاکلاو و موفه و با بررسی سخنان آقای روحانی و جهانگیری در مناظرات انتخاباتی دور دوازدهم استخراج گردد تا از این طریق چگونگی تولید این گفتمان در دوره انتخاباتی مذکور در چارچوب نظری مقاله تحلیل گردد.

۴-۵- متن و تحلیل سخنان اسحاق جهانگیری در برنامه مناظرات انتخابات ریاست

جمهوری در تاریخ جمعه مورخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

«...چه کسانی به سفارت عربستان حمله کردند؟ چه کسانی باعث شدند ۷۰۰ هزار شیعه که می آمدند و زندگی مردم مشهد می چرخید به هم خورد. بله ما نمی توانیم به سفارت حمله کنیم. دولت حمله کرد آقای قالیباف؟ چه کسانی حمله کردند؟ آنها الان در ستادهای کدام کانیدیدا حضور دارند؟ کدام کانیدیداها از آنها دفاع می کردند پول می دادند؟»

۴-۵-۱- تحلیل فرکلاف:

راهبرد سوال القایی: عبارت حمله به سفارت عربستان که به صورت سوالی برای مخاطب مطرح می شود و همگان نیز از آن واقعه اطلاع دارند تاکید بر بحث وجود تنش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. عبارتی سوالی که پاسخ آن روشن است. گوینده در این مناظره به یکی از مهمترین چالشهای سیاست خارجی ایران اشاره نموده است. در این عبارات به صورت پنهان به نوع گفتمانهای سیاسی موجود در کشور اشاره شده است. اول گفتمانی که با نظریات خود تاکید بر وجود تنش در روابط با کشورهای منطقه را دارد و این همان گفتمان دگری است و گفتمانی که به تنش زدایی با کشورهای منطقه نظر دارد و حاضر است آنرا با چشم پوشی از برخی آرمانهای اول انقلاب (مانند صدور انقلاب) عملی سازد. عبارت چه کسانی؛ هر چند که به صورت سوالی بیان شده است ولی به طور ضمنی پاسخ را به مخاطب خود القاء می نماید که طیف سیاسی مقابل است که حاضر است تمامی این کنشهای خلاف امنیت ملی را انجام دهد.

راهبرد همگرایی مذهبی و فهم همدلانه: در قسمت دوم عبارات فوق، جهانگیری ضربه زنده به اقتصاد مردم مشهد از طریق به هم خوردن تردد ۷۰۰ هزار شیعه عربستانی را کسانی معرفی می کند که به نوعی به طیف اصولگرا وابستگی فکری دارند. حتی این تخریب اقتصاد



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیتو ترانست العالم الاسلامی

۱۴۰

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

مردم مشهد به گونه ای برنامه ریزی شده و با استفاده از پرداخت پول صورت پذیرفته است. راهبرد بزرگنمایی: تاکید بر تردد ۷۰۰ هزار شیعه نیز راهبردی است که اسحاق جهانگیری از آن برای قبیح تر نشان دادن عمل افرادی که وی آنها را منتسب به اصولگرایان میدانند استفاده نموده است.

استفاده از راهبرد تقابل معنایی: گوینده در این جملات القاء کننده این موضوع است که طیف سیاسی مقابلش حاضر است برای رسیدن به اهداف خود منافع مردم را زیر پا بگذارد و این همان نقطه افتراق این دو طیف سیاسی با یکدیگر می باشد.

۲-۴-۵- تحلیل لاکلاو و موفه: در اینجا مرزهای ضدیتی ای ترسیم می گردد که در یک سوی آن کسانی هستند که «برای رسیدن به منافع خود حاضرند منافع مردم را قربانی کنند» که همان «دیگری» می باشند و در سوی دیگر «مایی» قرار دارد که «همراه با مردم» است و «درد مردم را می فهمد» و بر «شرایط اجتماعی و سیاسی روز» آگاه است و می داند که سرشاخ شدن با برخی قدرتهای منطقه ای موجب آسیب زدن به اقتصاد مردم می گردد و به همین خاطر علیرغم داشتن قدرت تهاجمی به خاطر مردم حاضر نمی شود تا از قدرت خود استفاده نماید. وجود عبارت ما نمی توانیم به سفارت عربستان حمله نماییم؛ از یک سو تاکید بر این ضدیت است و از سوی دیگر بیانگر زمانشناسی آنها در برخورد با حوادث سیاسی رخ داده در بستر زمان است. در این متن گوینده سعی فراوانی دارد تا غیریت سازی بین خود و طیف مقابل را پررنگ نماید. مردمگرایی، همراه بودن با نگرانی های عموم جامعه، تنش زدایی و قته های اصلی بیان شده در این گفتمان می باشد.

.....اولاً در دور هشتم، که در مقابل جناب آقای خاتمی هم وزیر دفاعش کاندیدا شد و هم معاونش و هیچ کس نگفت این کار غیر طبیعی است یک جریانی به نام جریان اصلاح طلب شما از همه حقوق محرومشان کرده اید و می گویند که نباید بیابند، من به عنوان یک جریان اصلاح طلب آمده ام که بگویم که بعضی ها چه کرده اند با یک جریان ریشه دار؟ می خواهم بگویم که دولت یازدهم در چه شرایط جدیدی تشکیل شد چرا عده ای با ژست جدید آمده اند؟ وقتی ما آمدیم جریان سیاسی چگونه بود؟ با آقای هاشمی، ناطق نوری چه کرد؟ همه را خانه نشین کردند به همه ضربه زدند رو در رو هم قرار دادند. در فضای سیاسی ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد کشور را خرج کردند. میزان شغل سال ۸۵، ۲۲ میلیون بوده در سال ۹۱ باز ۲۱



میلیون بوده همون رئیس جمهور سابق مثل برخی دوستان می گویند من دو سال دیگه بیکاری را ریشه کن می کنم. آقایان بیکاری را ریشه کن کردن راهکار دارد. راه خودش را دارد باید با روش خودش پیش برود. توجه به سیاستهای نظام اداری، توجه به سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، توجه به سیاستهای اقتصاد مقاومتی، در آن چارچوب باید ما توجه کنیم. نظام اداری باید شفافیت داشته باشد فساد در آن بیرون برود. شریف ترین انسان ها کارمندان دولت آموزش و پرورش و بهداشت در دورترین نقاط کشور دارند به مردم سرویس می دهند ممکن است در برخی جاها اشکال داشته باشند من در خصوص بحث حقوق ها در فرصت دیگری صحبت می کنم. مهم این است که ما در این دولت هم آقای رئیس جمهور دولت و وزرا تاکید کردیم ما زبانمان برای عذرخواهی از ملت الکن نیست هر جا اتفاقی افتاده که فکر می کنیم به نفع ملت نبوده از ملت عذرخواهی کردیم و حتما لازم باشد عذرخواهی می کنیم.

تحلیل فرکلاف:

راهبرد همدلی با اصلاح طلبان: گوینده در این متن اشاره مستقیم به گفتمان اصلاح طلبی دارد که توانسته است ظرفیتهای متفاوتی را گرد خودش جمع آورد به گونه ای که حتی وزیر و معاون رییس جمهور نیز می توانند در یک زمان به عنوان کاندید ریاست جمهوری در انتخابات شرکت کنند و این امر را به عنوان یکی از ویژه گیهای مثبت گفتمان اصلاح طلبی معرفی می کند. همچنین بدین واسطه به دنبال جذب اصلاح طلبانی است که بعد از وقایع انتخابات سال ۱۳۸۸ نتوانسته اند تریبونی عمومی برای بیان نظراتشان داشته باشند و در حقیقت طیف سیاسی مقابل خود را انحصارگرا معرفی می نماید. این انحصار طلبی در «خانه نشین کردن هاشمی و ناطق» نیز نمود پیدا می کند. متن نشان می دهد که گوینده برای طیف اصلاح طلب اصالتی خاص قائل است و آن را ریشه دار معرفی می نماید بگونه ای که اینطور برداشت می شود که سایر جریانات سیاسی در قد و قواره جریان اصلاح طلب نیستند. راهبرد کنایه تحقیرآمیز: اشاره به اظهارات آقای احمدی نژاد در ریشه کن کردن بیکاری در دولت نهم و دهم دارد و با نوعی تحقیرگویی از وعده های وی نام می برد. وعده هایی که که در جریانات رقابت های انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ که از آن به دروغ یاد می شد و در تراکتهای طرفداران میرحسین موسوی با عنوان «دروغ ممنوع» منتشر گردید.



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت برای مطالعات اسلامی
پژوهشهای باسی جهان اسلام

۱۴۲

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

۱۴۳

تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم - جمهوری اسلامی...

تحلیل لاکلاو و موفه: غیریت سازی در این متن نیز یکی از مهمترین حربه های جریان اعتدال در به حاشیه راندن جریان سیاسی اصولگرا می باشد. این طیف با اشاره به اینکه دادن وعده های مالایطاق از سوی دولت سابق یکی از شیوه های آنها برای جلب آراء بوده است به این موضوع اشاره می نماید که دولت سابق توان ارائه خدمات درست و مبتنی بر واقعیت را نداشته لذا برای جلب افکار عمومی متوسل به دروغ شده است. وقته دیگری که این دولت در گفتمان خود ارائه نموده است صداقت می باشد که به نوعی در سپهر سیاسی ایران گوهری کمیاب می باشد. ریشه دار بودن و اصالت سیاسی نیز وقته دیگری است که گفتمان اعتدال با وام گرفتن از جریان اصلاحات به آن تمسک بسته است. دال دیگری که گفتمان اعتدال سعی در اشاره به آن در متن مذکور دارد پذیرش اشتباهات است. این گفتمان سیاسی معتقد است که از شفافیت لازم برخوردار بوده و در صورتی که در مواردی خاص نیز اشتباه نموده باشد حاضر به پذیرش آن و عذرخواهی از مردم می باشد که این خود ساختن مرزی غیریت ساز با جریان سیاسی اصولگرا است. در صداقت و شفافیت است.

۶-۱- متن و تحلیل سخنان حسن روحانی در برنامه مناظرات انتخابات ریاست جمهوری مورخ جمعه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۶

«ما اگر می خواهیم فرهنگ کشور را توسعه دهیم باید زیربناهای لازم را نیز ایجاد کنیم که اولین مسئله از ساخت زیر بنا، رعایت اخلاق است و نباید حق الناس را زیر پا بگذاریم. روحانی افزود: بر فرض اینکه یک فردی تخلف کرده باید پرسید چه کسی مرجع رسیدگی به این اتهام است و چگونه آقای قالیباف پیش از رسیدگی در محکمه در مناظره اول این اتهام را نسبت به وزیر دولت مطرح می کند، برای ایجاد فرهنگ، آزادی لازم باید وجود داشته باشد و زمانی که یکی از نمایندگان مجلس و فرزند شهید مطهری به شیراز سفر می کند دوستان آنها به وی با آجر حمله می کنند.»

۶-۲-۱- تحلیل فرکلاف:

راهبرد بهره مندی از اخلاق: با تاکید بر واژگان رعایت اخلاق و حق الناس، ضمن تاکید بر نقش اخلاق در مباحث سیاسی در جمهوری اسلامی مخاطبان خود را به این سو سوق می

دهد که اخلاقیات و رعایت حق الناس از ارزش خاصی در گفتمان اعتدال برخوردار است و جناح متبوع وی از این بی اخلاقی و از طرف مقابل ضربه خورده است. (اشاره به توقیف محموله تجاری دختری یکی از وزرای دولت یازدهم که از سوی آقای قالیباف مورد اشاره قرار گرفت). با گفتن کلمه اگر نیز، گوینده به دنبال این موضوع است که راهکار و کلید توسعه فرهنگ کشور در دست من است و در ادامه چگونگی آن را با رعایت اخلاق بیان می کند. راهبرد تمسک به گفتمان اصلاحات: (بیناگفتمانیت مخفی) همنشینی دو واژه فرهنگ و آزادی که همواره از دالهای کاربردی گفتمان اصلاحات بوده است نشان از آن دارد که گفتمان اعتدال به دنبال بیان این مطلب است که گفتمان مربوطه در این حوزه پیرو اصلاحات بوده و به دنبال جذب آراء طیف مزبور می باشد. در این عبارت نیز آقای روحانی خود را به صورت ظریف و البته غیر آشکار نماینده جریان اصلاحات معرفی می کند.

راهبرد تخریب حریف (عملیات روانی): بیان عبارت «حمله با آجر به یکی از نمایندگان» که اتفاقاً آن نماینده مضروب (علی مطهری) به لحاظ سیاسی در طیف اعتدال جای گرفته است بر بار منفی فعالیت طیف سیاسی اصولگرا اشاره دارد که برای رسیدن به هدف خود حتی از حمله فیزیکی نیز روی گردان نیستند که این موضوع اشاره به اتهاماتی دارد که در زمان اصلاحات به طیف اصولگرا وارد می شد. همچنین اشاره به شهید مطهری استفاده از احساسات مذهبی برای جلب نظر طیف خاکستری اصولگرایان می باشد.

تحلیل لاکلاو و موفه: در اینجا گوینده با استفاده از کلماتی که دارای بار اخلاقی می باشد سعی نموده است تا به مخاطبان خود این امر را القاء نماید که برای رسیدن به قدرت حاضر نیست تا از هر وسیله ای استفاده نماید. تاکید بر حق الناس و به حاشیه راندن جریان سیاسی مقابل تاکتیکی است که از آن استفاده شده است. همچنین استفاده از فرهنگ و آزادی در حقیقت بهره برداری از این دال خالی در فرهنگ سیاسی اصولگرایان دارد که سعی مینمایند تا قرائت خودشان از فرهنگ را بر جامعه تحمیل نمایند در صورتی که اعتدالیون با در کنار هم قرار دادن آزادی و فرهنگ به این واقعیت اشاره دارند که نهادینه کردن فرهنگ تنها از گذرگاه آزادی امکانپذیر بوده و با رهنمودهای دستوری نمی توان فرهنگ سازی نمود و اصولاً فرهنگ دستور پذیر نیست و اشاره به سیالیت آن دارند.

«اگر می خواهیم در مسائل سیاسی و اجتماعی به اهدافمان برسیم باید افکار مختلف را



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت ترجمان العلم الاسلامی

۱۴۴

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

به رسمیت بشناسیم. وقتی برخی افکار در کشور ما اساسا به رسمیت شناخته نمی شوند و نمی گذاریم احزاب به صورت عادلانه فعالیت کنند چه انتظاری می توان داشت؟ شما ببینید در این انتخابات چه کسانی در فضای مجازی آزادند و کاری به آن ها ندارند و چه کسانی هر روز به دلایل و بهانه های مختلف احضار می شوند. آیا ما از این طریق می خواهیم در جامعه عدالت گستری کنیم؟ اگر می خواهیم در جامعه به شرایط مناسب سیاسی برسیم باید احزاب از حقوق مساوی برخوردار باشند. روحانی افزود: اگر ما می خواهیم در جامعه به شرایط مناسب سیاسی برسیم همه احزاب و گروه ها باید از حقوق مساوی برخوردار باشند.»

تحلیل فرکلاف:

راهبرد تقویت و برجسته سازی جامعه مدنی: شاه بیت گفتمان سیاسی دولت دوازدهم در این عبارات خودنمایی میکنند. «شناختن افکار مختلف»، «اجازه عادلانه به احزاب برای فعالیت»، «تساوی حقوق احزاب» عباراتی اند که نشان می دهد دولت یازدهم به لحاظ سیاسی قائل به چه پارامترهایی می باشد. در سراسر این متن گزاره هایی بیان می شوند و بر آنها تکیه می گردد که همگی نشان از نوعی تساوی اجتماعی و سیاسی دارد.

راهبرد تقویت فضای مجازی: اشاره به فعالیت آزادانه برخی در فضای مجازی علاوه بر اینکه به طور غیرمستقیم به اهمیت فضای مجازی اشاره دارد به این نکته نیز می پردازد که همه کس نمی توانند در این فضا آزادانه فعالیت نمایند. به عبارت دیگر در این عبارات دال مرکزی گفتمان اعتدال که همان آزادی است به صراحت بیان می شود.

تحلیل لاکلاو و موفه: در اینجا «ما» که «افکار مختلف را به رسمیت می شناسیم» در مقابل «آنها» قرار می گیرند که «اینطور نبوده و انحصارگرند». «ما» به وجود «افکار مختلف» در کشور قائلیم و معتقدیم که «احزاب باید به صورت عادلانه ای» فعالیت کنند در صورتی که «آنها دیگران را هر روز به بهانه ای احضار می نمایند». در این عبارات غیریت سازی به شکل برجسته ای نمود پیدا می کند و هویت «ما» در مقابل «آنها» حجم بیشتری می یابد. دال برتر به منظور حفظ اساس نظام سیاسی کشور تساوی احزاب از حقوق مساوی و به رسمیت شناختن فعالیت آنهاست.

«وی با طرح سوالی مبنی بر اینکه آیا همه اقوام در کشور از حقوق مساوی برخوردار



هستند گفت: زمانی که یک فرماندار خانم از اهل سنت را در جایی منصوب می کنیم از دو طرف مورد حمله قرار می گیریم از یک طرف اینکه چرا یک خانم مدیر شده و از سوی دیگر چرا یک نفر از اهل سنت مدیریت بالا را به دست آورده است. کار مختلف است.»

تحلیل فرکلاف:

راهبرد تحریک اقلیتها: در عبارت فوق گوینده بر سه موضوع چالش زا تاکید می نماید که جزء اقلیتها در سپهر سیاسی کشور می باشند. «تساوی حقوق اقوام، مدیریت خانمها و پستهای مدیریتی اهل سنت». گوینده در عبارات فوق خود را در کنار سه قشری قرار می دهد که در طول دهه های پس از پیروزی انقلاب کمتر مورد توجه حاکمیت بوده اند. ترکیب عبارت «مدیریت خانم ها» نشان می دهد که خالق این پاذه گفتار به دنبال آن بوده است که بیان نماید جریان ما از بانوان استفاده ابزاری نکرده و آنها را در جریان مدیریت نخبگی قرار داده است تا جایی که آنها را به عنوان فرماندار منصوب کرده است. در سوی دیگر به بخش اقلیت دینی مسلمانان یعنی اهل سنت پست مدیریتی داده است که امری غیر مرسوم در حکومت تشیع و انحصارگرایان قبلی بوده است و در انتها معتقد است که هیچ یک از اقوام، نابرابر نبوده و در این دولت از حقوق مساوی برخوردارند. بنابراین در «کنار تمام اقوام بوده» و «مغایر بودن دین یا مذهب آنان» از نظر این دولت مانعی برای اخذ پستهای مدیریتی و شرکت در اداره سیاسی کشور نمی باشد.

تحلیل لاکلاو و موفه:

استفاده از حقوق مساوی اقوام بهره برداری جریان اعتدال از دالهای خالی گفتمان اصول گرا می باشد. صاحبان گفتمان اعتدال به خوبی بر دالهای خالی مذکور دست گذاشته و با توجه به اینکه می دانند گفتمان اصولگرا بیشتر بر گزاره های ایدئولوژی متمسک خواهد شد از این دالهای خالی استفاده نموده و چون کشور ما دارای اقوامی می باشد که از نظر قومیتی و یا مذهبی کمتر در دایره نخبگان حاکمیتی دخالت داده شده اند لذا با ارائه گزاره های فوق به دنبال جلب نظر آنها می باشد. روحانی به خوبی از دالهای خالی گفتمان اصولگرا به نفع جریان اعتدال استفاده نمود. برجسته نمودن دادن پست به اهل سنت به عنوان یکی از اقدامات



مثبت دولت توانست بخشی از آرای خاموش اهل سنت را به خود اختصاص دهد. به عبارت دیگر دولت یازدهم به نخبگان حاشیه ای اقدام و اهل سنت نشان داد که از طریق این دولت می توانند در چرخه قدرت داخل شده و اعمال نظر کنند. چیزی که تا پیش از این سابقه نداشته یا بسیار کم سابقه است.

۶-۱- متن و تحلیل سخنان اسحاق جهانگیری در برنامه مناظرات انتخابات ریاست

جمهوری مورخ جمعه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۶

«جهانگیری در ادامه افزود: انتقاد یکی از نعمت های بزرگی است که خداوند به مسئولین مختلف می دهد و هرکس درب انتقاد را به روی دستگاهش را ببندد از یک نعمت بزرگ که عده ای با دلسوزی می خواهند برای اصلاح امور قدمی را بردارند بی بهره می ماند، لذا همه مکلف به این هستیم که از انتقاد سازنده استقبال کنیم. وی با بیان اینکه دولت یازدهم در این زمینه کارهای بسیار بزرگی را انجام داد گفت: ما خانه احزاب که بسته شده بود را احیا کردیم چرا که احزاب یکی از مراکزی هستند که نقد می کنند. این کاندیدای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اضافه کرد: به ۸ هزار سازمان مردم نهاد در دولت یازدهم مجوز دادیم و از آزادی مطبوعات به طور کامل دفاع کردیم و هر میزانی که مجوز برای تاسیس مطبوعات خواسته شد در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز داده شد.»

۷-۲-۱- تحلیل فرکلاف:

راهبرد تحمل صدای مخالف: در متن فوق گوینده یکی از مهمترین ویژگیهای دولت یازدهم را برمی شمرد: «پذیرش انتقاد». اصولاً انتقادپذیری، معطوف به داشتن ظرفیت بالا است که بدین معناست دولت حاضر است صداهای مختلف را شنیده و با افکار مختلف نیز تبادل نظر داشته باشد و این ویژه گی را در متون مختلف بیان نموده است. در حقیقت انتقادپذیری، بیان مثبت یکی از مهمترین ویژگیهای دولت یازدهم است. استفاده از عبارت «نعمت بزرگ» نیز بار عاطفی داشته و حلقه پیوندی میان دین باوران و دولت می باشد.

راهبرد تمسک جامعه مدنی: ارائه مجوز به سازمانهای مردم نهاد بیانگر اعتقاد دولت به آزادی های فردی و گروهی است که در قالب جامعه مدنی بروز و ظهور پیدا می کند. هرچند که این کاندیدا در متن فوق به طور آشکار به دولت اصلاحات اشاره نمی کند ولی در حال



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

۱۴۷

تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم - جمهوری اسلامی...

بیان این موضوع به مخاطب خود است که هر چند خاتمی به عنوان نماد جریان اصلاحات حضور ندارد ولی ما نماینده آنها هستیم. ارائه مجوز برای تاسیس مطبوعات و همچنین مجوز برای فعالیت سازمانهای مردم نهاد نیز عباراتی است که گویای استفاده جریان اعتدال و دولت یازدهم از راهبرد احیاء جامعه مدنی است که اشاره ای ظریف به بیناگفتمانیت با اصلاحات دارد.

تحلیل لاکلاو و موفه: استفاده از دال شناور انتقادپذیری به عنوان یکی از مهمترین کارویژه های هر دولتی، از جمله مهمترین ابزارهایی بود که دولت یازدهم در مناظرات از آن استفاده نمود و سعی کرد تا آن را در مفصل بندی گفتمان خود وارد نماید و به نوعی به دنبال حاشیه رانی جریان اصولگرا بود. تاکید مستقیم بر بازگشایی خانه احزاب نیز نشان از غیرت سازی برجسته ای دارد که سعی در تمایز این دولت با دولت احمدی نژاد است. در حقیقت اشاره به بازگشایی خانه احزاب نشان از تمایل دولت به تعامل با جامعه مدنی دارد که معتقد است جریان سیاسی اصولگرا از آن کاملاً بی بهره بوده و حتی با آن در تقابل می باشد.

«جهانگیری با تاکید بر اینکه ما حق هسته ای را به اثبات رسانده و تحریم های ظالمانه را برداشته ایم، اظهار داشت: اگر برجام به توافق نمی رسید قدرت های استکباری می خواستند همان کارهای قبلی را ادامه دهند و در آن صورت صادرات نفت ما متوقف می شد به طوری که همه مردم باید وضع نابسامانی را از نظر اقتصادی تجربه می کردند.»

تحلیل فر کلاف:

راهبرد اسطوره سازی: گوینده متن بر یکی از مهمترین دستاوردهای دولت یازدهم یعنی برجام اشاره می کند. به توافق رساندن گفتگوهای مابین اعضای پنج بعلاوه یک و برداشتن تحریمهای ظالمانه علاوه بر بزرگنمایی این توافق به اسطوره ساختن آن اشاره دارد که اگر انجام نمی شد «قدرتهای استکباری همان کارهای قبلی را انجام می دادند». پیامدهای این توافق اثبات حق هسته ای، «برداشتن تحریمهای ظالمانه»، «جلوگیری کردن از کارهای قبلی قدرتهای استکباری» و «منع صادرات نفت»، «تجربه وضع نابسامان اقتصادی توسط مردم» بوده است. راهبرد بیان ایدئولوژیک: گوینده متن در بخشی از این عبارات برای رسیدن به اهداف خود در متقاعد کردن مخاطبین از واژه ایدئولوژیک «قدرتهای استکباری» بهره برداری می کند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۴۸

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

راهبرد تقابل معنایی: وی دستاوردهایی را نیز برای برجام اشاره می کند که معتقد است تنها با وجود این دولت امکان تحقق آن بوده است و آن هم از طریق مذاکره با هدف تنش زدایی انجام شده است. «زمینه اقتصادی» مردم نیز «نابسامان» بوده است که در صورت عدم حضور این دولت که با کلمه شرطی اگر بیان شده است ادامه پیدا می کرده است. در سراسر این متن اشاره مستقیم به وضعیت نابسامان دولت قبل در ایجاد وضعیت اقتصادی نامناسب برای مردم اشاره شده است.

تحلیل لاکلاو و موفه: مرزهای ضدیت ساز این متن به صورت آشکاری به کارآمدی دولت یازدهم و عدم کارآمدی دولت قبل اشاره دارد. «ما» در این دولت توانسته است بار سنگین اقتصادی را از دوش مردم بردارد در حالی که «آنها» نتوانستند چنین کاری را نمایند. استفاده از عبارت دولتهای استکباری نیز مخاطبین ایدئولوژیک را در بر میگیرد که قصد دارد به آنها بفهماند مذاکره با هدف برای رفع تحریمهای ظالمانه توسط این دولت صورت گرفته و از دال شناور تنش زدایی توانسته است بهترین بهره برداری را بنماید.

یافته های پژوهش:

آقایان روحانی و جهانگیری که به عنوان نمایندگان گفتمان اعتدال در این دوره از انتخابات شرکت نمودند بر اساس تحلیل گفتمان فرکلاف با راهبردهایی به میدان مناظرات وارد شدند که مهمترین آنها را می توان به شرح ذیل ذکر نمود:

الف) راهبرد نیابت از گفتمان اصلاحات: در سراسر مناظرات پیش گفته صراحتاً و یا ضمناً خود را نماینده و پیش برنده گفتمان اصلاحات می نامند. این جریان را به عنوان یک گفتمان اصیل و ریشه دار معرفی کرده و خود را ادامه دهنده آن می دانند.

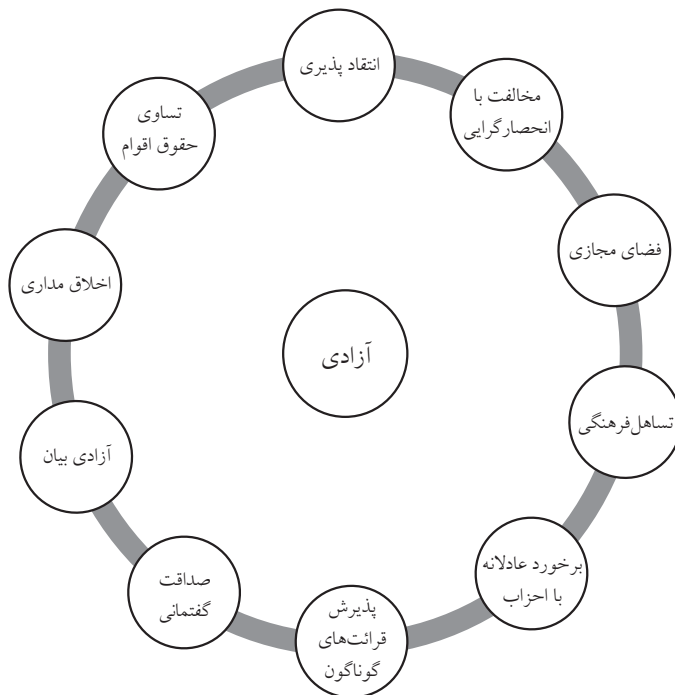
ب) راهبرد تقویت جامعه مدنی: تاکید بر گزاره هایی مانند تقویت احزاب، مجوز به سازمانهای مردم نهاد همگی دال بر راهبرد تقویت جامعه مدنی دارد. گزاره هایی که همگی وام گرفته شده از گفتمان اصلاحات می باشند.

ج) راهبرد همراهی همدلانه با مردم: در این راهبرد بر این امر تاکید می گردد که در بسیاری از موارد مانند ارائه آزادی های فرهنگی یا مذهبی و قومیتی «ما» به عنوان «جریان یا گفتمان اعتدال» با شما مردم هستیم لکن به دلیل آنکه اختیار نداریم نمی توانیم خواسته های شما را



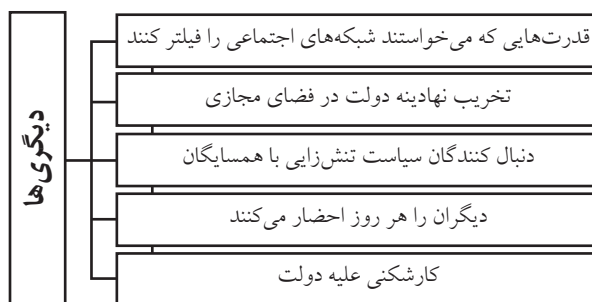
برآورده نماییم. علت این عدم اختیار را نیز بر عهده جریان سیاسی مقابل قرار می دهند. در خصوص تحلیل گفتمان موفه و لاکلاو واژگان و عبارات کلیدی متن عبارتند از : انتقادپذیری، اخلاق مداری، آزادی بیان، تساوی حقوق اقوام، مخالفت با انحصارگرایی، تساهل، پذیرش قرائتهای گوناگون، تنش زدایی در سیاست خارجی، صداقت گفتمانی این دالها حول دال مرکزی آزادی مفصل بندی شده اند و گویندگان متن سعی نمودند تا با استفاده حداکثری از واژگانی که دلالت بر عملگرایی و عینیت گرایی دارند اقدام به جذب مخاطب خود نمایند. در برخی از موارد نیز گویندگان متن سعی نمودند تا با استفاده از برخی واژه های ایدئولوژیک بر مخاطبین طیف مقابل خود ودین باوران نیز تاثیرگذاری نمایند. گویندگان متن سعی فراوانی نمودند تا با استفاده از کلماتی که قابلیت فهم برای عامه را داشته و بار ایدئولوژیک ندارند خود را در کنار مردم نشان داده و نشان دهند در مواردی هم نتوانسته اند رضایت مردم را جلب نمایند وجود برخی از انحصارگرایان بوده است که مشکلاتی را ایجاد نموده اند.

تاکید متن عمدتاً مبتنی بر وجود اشتراکات بین برخی اقوام و نیز تاکید بر ارائه آزادیهای مطلوب و مورد نیاز جامعه می باشد. موارد مذکور در فوق را می توان در نمودار ذیل ارائه نمود:



نگاهی اجمالی به دالهای مفصل بندی شده در گفتمان سیاسی دولت یازدهم نشان می دهد که عمده آنها مبتنی بر بینامتنیت و بیناگفتمانیت بوده و شعارهای اصلاح طلبانه دولت اصلاحات نیز در آن مشهود است. این صورتبندی نشان می دهد که سیاستمداران عملگرا این مهم را دریافته اند که با وجود مشکلات اقتصادی اتکاء بر شعارهای غیر ایدئولوژیک می تواند مجدداً آرا مخاطبین خصوصاً رای دهندگان خاکستری را به خود جلب نموده و با ارائه شعارهای تند ساختارشکنانه مانند «تقابل قاضی و وکیل» و «آزادی جوانان»، این شعارهای همچنان توانایی جلب مخاطب را دارد.

همچنین با توجه به تحلیلهای صورت گرفته و بر اساس روش لاکلاو و موفه و مدل فوق می توان مشخصاً مرزهایی از ضدیت و غیریت سازی را ترسیم نمود که مفصل بندی فوق را امکان پذیر می نماید:



فصلنامه علمی - پژوهشی
 پژوهش‌های بنیادین اسلام

نتیجه گیری:

این مقاله سعی بر آن داشت تا چگونگی صورتبندی گفتمان سیاسی دولت یازدهم را در فضای رقابتی با سایر گفتمانها و با توجه به شرایط و فضای سیاسی خاص جامعه ایران ترسیم نماید. جامعه آماری تحقیق، کلیه مناظرات تلویزیونی کاندیدهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم بود که از این میان متن مناظرات حسن روحانی و اسحاق جهانگیری به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردید. نحوه تعیین، تصریح و بازتعریف دالهای گفتمانی و ایجاد مرزهای جداکننده و غیریت ساز جهت شناخت رویکرد حاکم بر فضای گفتمانی یا هژمونیک شدن بود. بدین منظور با استفاده از روش فرکلاف اقدام تحلیل بینامتنی نمودیم و سپس با استفاده از روش لاکلاو و موفه دال مرکزی و دالهای شناور را استخراج نموده و صورتبندی گفتمان سیاسی دولت یازدهم را در قالب نمودار منعکس نمودیم. روش فرکلاف با مجهز ساختن محقق به ابزارهایی برای فهم چگونگی بازنمایی دالها و تکنیکهای مورد استفاده گوینده در جهت مقبولیت گزاره ها و اثرگذاری بر مخاطب ما را در رسیدن به تصویری کلی از گفتمان ارائه شده توسط دولت یازدهم یاری رساند. راهبردهای بکار گرفته شده توسط جریان اعتدال نشان داد که این گفتمان خود را ادامه دهنده گفتمان اصلاحات می داند و مبادی پیشنهادی در مورد تقویت جامعه مدنی و همراهی با مردم به دنبال جذب آراء آنان می باشد. همچنین در ادامه سعی شد با قراردادن آن تصویر در چارچوب نظری تحقیق یعنی روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه اصلی ترین شرط تاسیس گفتمان که همان وجود دیگری ها و لزوم حضور و وجود مرزهای ضدیتی و غیریت ساز است، تصویری کاملتر از این گفتمان و استلزامات آن ارائه شود.



منابع:

- سلطانی، سید علی اصغر، تفضلی، بیژن، صدقی چوکانلو، رضا (۱۳۸۷) تحلیل گفتمان سیاسی رسانه ها، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره چهارم و دوم، تابستان ۱۳۸۷
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۰) توصیف و تبیین ساختهای زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی، فصلنامه پژوهشهای زبان و ادبیات تطبیقی، دوره سوم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱-۱۹
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۹۱) قدرت، گفتمان و زبان، نشر نی، تهران چاپ سوم
- عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۸۴) گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی، نشریه راهبردی، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۴۲
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۹) گفتمانهای امنیتی مای در جمهوری اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، عطایی، مهدی (۱۳۹۵) گفتمانهای هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- جهانگیری، جهانگیر، فتاحی، سجاد (۱۳۹۰) تحلیل گفتمان محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم، مجله مطالعات اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰
- تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۸۷) بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۸۷ (۱۳۸۷)
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ الف) گفتمان و متن: «تحلیل زبانشناختی و بینامتنی در چارچوب تحلیل گفتمان» ترجمه رامین کریمیان در تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۶۷-۱۱۷۱۲ (۱۱۷۱۲)
- پیرچراغ، محمدرضا و فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۵) کاربست بینامتنیت در فهم امثال نهج البلاغه، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فهم حدیث، سال سوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ش ۵، ۹۳-۱۱۵
- جبرالاسدی، عبدالستار، «ماهیه التناس» مقال من مجله ثقافیه فکریه (فکر و نقد المفریبه) ۲۰۰۰ م، الرباط، دارالنشر المغربیه، شماره ۲۸
- رستم پور، رقیه، «التناس القرآنی فی شعر محمود درویش» مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۳۸۴، ش ۳
- مکاریک، ایرناریما، دانشنامه های نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر، محمد نبوی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳
- گراهام، آلن، بینامتنیت، ترجمه بیان یزدانجو، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰
- عزام، محمد، تجلیات، التناس فی الشعر العربی، دمشق، منشورات اتحاد الکتاب العرب، ۲۰۰۱
- کیوان، عبدالعاطی، التناس القرآنی فی الشعر امل دنقل، القاہره، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۹۸
- سالمی، هادی، التناس فی القرآن درسه سیمانیه للنص القرآنی، تونس: عام الکتب الحدیث للنشر و التوزیع، ۲۰۱۴
- حسینی زاده، محمد علی (۱۳۸۸) بررسی تحول مواضع دولتهای پس از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

۱۵۳

تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم - جمهوری اسلامی...

- سلیمی، اصغر (۱۳۸۳) گفتمان در اندیشه فوکو، کیهان فرهنگی، ش ۲۱۹، تهران، موسسه کیهان
- سام آرام، عزت الله (۱۳۷۶) دولت کارفرما و تامین اجتماعی متزلزل، حیات نو
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸) رسانه و قدرت گفتمانی با تاکید بر انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، شماره سوم، سال نهم، صص ۱۷۵-۲۰۵
- محسنی، علی و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۷) تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۳
- امیری، سروش (۱۳۹۷) نسبت دگرگونیهای غرب آسیا با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۲
- افضل، رسول و دیگران (۱۳۹۷) مولفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ظرفیتهای آن در عرصه بین الملل از دید کارشناسان، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۲
- Laclau, The making of political identities, p. 49
 - laclau, E and mouffe, c. (1985) hegemony and socialist strategy: towards a radical democratic politics, london: verso
 - airclough 'N. (1993) "critical Discourse analysis and the marketization on public discourse: the univercities" discourse and society 4(2).pp133-168
 - fairclough, n (1989) language & power, London: longman
 - ll achagar. m (2004) "the event and actors of 11 september 2001 as see form Uruguay: analysis of daily newspaper editorial" discourse & society, 15(2-3):320-291

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۶

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

ملکی، مرتضی؛ عبوضی، محمدرحیم (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران در سیاست داخلی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۱، بهار ۹۹، صص ۱۵۴-۱۲۵



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۵۴

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹